

## فرهنگسرای نیمه‌ساخته‌اهواز دفن شد

**محسن حیدری/اهواز**

■ عملیات خاک‌ریزی توسط شهرداری اهواز روی فوندانسیون فرهنگسرای نیمه‌کاره بهمن علاءالدین اهواز در نیمه‌شب سه‌شنبه ۲۲ آذر سرآغاز جدلی شد که دو هفته است با کش و قوس در فضای مجازی و حقیقی استان خوزستان، گاه شعله می‌کشد و گاه آرام می‌گیرد. هر چند آن شب با تجمع تعدادی از هنرمندان این اقدام شهرداری به صورت موقت متوقف شد، اما مأموران در شب‌های آینده کار خود را ادامه دادند. با وجودی که شواهد امر حکایت از تخریب محل می‌داد، اما شهرداری اهواز با اصرار هر گونه تخریب را تکذیب و اعلام کرد بالاترینی هفت، هشت‌ساله ساختمان تالارها و چهره نازیبای ساختمان نیمه‌کاره آن در ساحل کارون باعث شده تا شهرداری تصمیم بگیرد میلگردهای سازه را خم کند و با خاک‌ریزی روی فوندانسیون آنجا را به فضای سبز تبدیل کند. بعد از آن روز اعتراض هنرمندان بالا گرفت و در رسانه‌ها به شکل گسترده‌ای انعکاس یافت، هنرمندان تجمع کردند، طومار و بیانیه نوشتند اما ارشاد هم خود سکوت اختیار کرد و هم هنرمندان را دعوت به سکوت کرد تا موضوع به آرمی پیگیری و حل شود. اهواز از کمبود فضاهای فرهنگی نظیر موزه‌های تخصصی از جمله موزه مردم‌شناسی، موزه دفاع مقدس، فرهنگسرا، تالارهای نمایش و… رنج می‌برد. کلاتشهر یک و نیم میلیون نفری اهواز فقط دو فرهنگسرا دارد که در نقاط حاشیه‌ای قرار دارند و بخش مرکزی شهر بیشترین فقر فضاهای فرهنگی را تحمل می‌کند. در شرایطی که عدم پاسخگویی مسؤولان خوزستان در برابر تخریب فرهنگسرا و تالار بهمن علاءالدین اهواز موجب نگرانی افکار عمومی شده است، تذکر کتبی ناصر سودانی نماینده اهواز خطاب به وزیر کشور در جلسه مورخ ۹۰/۰۱/۲۰ مجلس قرائت شد. سپس علیرضا هدقان نماینده ایذه و عضو کمیسیون فرهنگی مجلس در گفت‌وگو با رسانه‌ها این عمل را غیر فرهنگی نامید و آن را محکوم کرد. تذکر کتبی امیدوار رضایی عضو هیات رییس مجلس خطاب به وزیر کشور در جلسه مورخ ۹۰/۱۱/۰۴ قرائت شد و سید شریف حسینی دیگر نماینده اهواز در جلسه مورخ ۹۰/۰۱/۰۴ در تذکر کتبی به رییس‌جمهور خواستار پیگیری وی برای تسریع در تکمیل این پروژه فرهنگی به‌عنوان یکی از مصوبات سفر رییس‌جمهور به خوزستان شد که اینک زیر خوراه‌ها خاک دفن شده‌ است. این پرسش در افکار عمومی خوزستان شکل گرفته است که اگر این طرح کارشناسی نبوده، چطور جزه مصوبات سفر رییس‌جمهور قرار گرفت و اگر کارشناسی بوده - که قطعا چنین است - چرا آن دافن کردند؟ بی‌شک هنرمندان و هنردوستان و علاقه‌مندان بهمن علاءالدین از خود می‌پرسند آیا مصوبه سفر رییس‌جمهور، زیر خاک خواهد ماند؟ استاندار خوزستان اما برخلاف دستورات سال گذشته دوبینی بر ادامه کار ساخت تالارها، اولویت را با احداث فضای سبز در ساحل دانست. سیدجعفر حجازی که قبلا در تاریخ ۲۱ شهریور ۸۹ به معاون عمرانی خود نوشته بود: «با توجه به لزوم و ضرورت ادامه پروژه فرهنگی نیمه‌تمام در ساحل رودخانه و در جوار موزه، اداره کل ارشاد اسلامی می‌تواند به فعالیت اجرایی خود ادامه دهد و نباید شهرداری که قبلا مجوز داده است از آن جلوگیری کند. ضرورت دارد دنبال کنید که پروژه فورا اجرایی شود». اکنون می‌گویند: «شبیه‌اهانی در گذشته صورت گرفته و تالارهای همایش اهواز باید به محل دیگری جابه‌جا شوند.» در حالی که به دلیل تاخیر و ممانعت در اجرای پروژه فقط حدود ۴۰۰ میلیون تومان اعتبار عمرانی با باید برگشت داده شود یا صرف خرید میز، صندلی، خودکار، پوشه و… شود. این در حالی است که هیاکنون به ازای هر صد نفر جمعیت کمی بیش از سه مترمربع فضای فرهنگی و هنری در استان موجود است که این فضا در مرکز استان، حدود ۲/۵ مترمربع و کمتر از سرانه متوسط است. همچنین سرانه صندلی نمایش به نفر در استان یک صندلی به ازای ۴۸۵ نفر است که این سرانه در شهر اهواز یک صندلی به ازای بیش از یک هزار و ۵۵۰ نفر است. از ابتدای ماجرا مدیر کل ارشاد سکوت اختیار کرد و حاضر به هیچ گونه موضع‌گیری نشد. سید لطفالله سپهر به صورت غیررسمی به خبرنگاران می‌گوید قصد دارد زیر سر و صدا ماجرا را از طریق قانونی پیگیری کند و تنها حاضر است از طریق منظره تلویزیونی با شهردار در این‌باره گفت‌وگو کند.

## خروج تالاب‌های گلستان از فهرست قرمز

■ مهر: استان گلستان چهار تالاب بین‌المللی دارد که همواره با خطر خشکی مواجه بوده‌اند اما در حال حاضر این تالاب‌ها از لیست قرمز خارج شده‌اند. استان گلستان در مجموع ۱۷ تالاب کوچک و بزرگ دارد که چهار تالاب آلال، آچی گل، گمیشان و آلماگل در فهرست تالاب‌های بین‌المللی ثبت شده‌اند در حالی‌که برخی منابع غیررسمی و ناپیندشده خبر از خشکی سه تالاب مهم و بین‌المللی استان گلستان می‌دهند ولی مسؤولان محیط‌زیست گلستان وضعیت تالاب‌های استان را مناسب ارزیابی می‌کنند. محمد ممشتی گفت تالاب‌های استان جزو معدود تالاب‌های کشور هستند که با وجود شرایط آب و هوایی خشک از میزان حفاظتی که تعریف شده بود آب بیشتری دریافت کردند. وی با اشاره به اینکه تالاب‌های استان دو سال است که از لیست قرمز خارج شده‌اند، گفت: مهم‌ترین موضوع در تالاب‌ها، ابدهی است که در سال جاری با همرهی شرکت آب و بارندگی‌های خوب سال جاری از میزان حقایه خود آب بیشتری دریافت کرده‌اند.

## کشمکش‌ها بر سر سه‌هزار فسیل کشف شده توسط زمین‌شناس تجربی در کرمان

# فسیل‌ها با تیشه و گونی گردآوری شده‌اند

**وحید قرایی/ کرمان**



ملی هستند استخراج غیر علمی و بدون مجوز آنها بدون هماهنگی با نهادهای علمی و سازمان زمین‌شناسی غیرقانونی است. اگر مسایل قانونی آن را حل هم شده بپردازیم و آن را نادیده بگیریم شخص جمع‌آوری‌کننده باید دارای مدارج علمی در آن زمینه باشد. حتی صاحب‌نامان علم فسیل‌شناسی تنها هنگامی دست به انتقال نمونه از محل طبیعی خود می‌زنند که شرایط مطالعات و انجام آزمایش‌های ویژه را در محل فراهم کرده باشند.

محسن تجربه‌کار در این‌باره می‌گوید: قرار شد نمونه‌ای از فسیل‌های برای انبار سی‌تی‌اسن که از آزمایشگاه‌بیمارستان شفا در کرمان داده شود که این اتفاق افتاد و در همه تصاویر به چیزهای عجیب و شگفت‌انگیزی برخورد کردیم. وی می‌افزاید: فسیلی که تحویل داده شد از یک ماهی است مربوط به دوره کرتاسه (۹۸ تا ۱۰۰ میلیون سال قبل) که حالا در تصاویر تمام قسمت‌های ماهی اعم از ستون فقرات، گوشه‌ها و آبشش‌های آن مشخص است.

وی اظهار می‌دارد: به جز این، سه فسیل دیگر هم به این آزمایشگاه فرستاده شد که در تصاویر اسکن آن، اجزای داخلی مشخص نشدند چون که این ماهی مربوط به ۵۰۰ میلیون سال قبل بوده است. این فسیل‌ها از منطقه‌ای کاملاً استثنایی به دست آمده و چون قدمت زیادی دارند قسمت داخلی آن‌ها از بین رفته است. تجربه‌کار از ارسال نمونه‌ای از فسیل‌ها به دانشگاه سوربن فرانسه هم خبر داده و اظهار می‌دارد: دستگه‌هایی که در این دانشگاه وجود دارد از دستگه‌های موجود در آزمایشگاه‌های کرمان قوی‌تر است و قطعا نتایج بسیار خارق‌العاده‌ای از آن حاصل خواهد شد.

وی همچنین در گفت‌وگو با مهر، از وضعیت فعلی نگهداری این سنگواره‌ها ابراز نگرانی کرده و می‌گوید: در حال حاضر ۱۶۱ هزار قطعه فسیل در انبار منزل اجارهای من روی هم تلنبار شده که بعضی از این فسیل‌ها ابعاد بسیار ریزی دارند. همچنین مناطقی که این فسیل‌ها از آنجا جمع‌آوری شده در حال تخریب است و حتی یکی از این مناطق تا ۹۰ درصد خراب شده است.

در این میان یکی از کارشناسان سازمان زمین‌شناسی جنوب خاوری پاسخ‌گوی سوالات مطرح در این زمینه و دلایل مقاومت‌ها در برابر این نظر تایت بود. مسعود ناظمی‌زاده شاعی، مدیر سابق سازمان زمین‌شناسی جنوب خاوری، در پاسخ به این سوال که «آیا نوع جمع‌آوری این فسیل‌ها روال قانونی و فنی خود را طی کرده است و هر کس می‌تواند چنین مجموعه‌ای را بدون نظارت سازمان‌ها، علمی جمع‌آوری کند» می‌گوید: کلمه قانون را اگر به کار نبریم این نحوه فعالیت را می‌توان یک کار غیراصولی قلمداد کرد. اگر بر طبق ادعاهای صورت‌گرفته، بپذیریم این فسیل‌ها منحصر به فرد و از دیدگاه علمی جزو منابع

می‌شود و می‌توان آنها را از استان کرمان خارج و در جای دیگری مستقر کرد» عنوان می‌کند: این نمونه‌ها منابع ملی و میراث زمین‌شناسی استان کرمان است و نمی‌توان آنها را متعلق به یک فرد دانست اما نمونه‌ها، به آن صورت که عنوان و ادعا می‌شود، قابلیت فروش ندارند چرا که شناسنامه ندارند و محل برداشت آنها مشخص نیست. بعضی از این نمونه‌ها از نظر کامل بودن و زیبایی عالی‌اند و در هر نمایشگاهی قابل ارایه هستند اما شناسنامه علمی ندارند.

او تصریح می‌کند: جایی که نمونه‌ها برداشت می‌شوند باید فاکتورهای زیادی مورد مطالعه قرار گیرند مثل رسوباتی که فسیل در آن پیدا شده، عمق، درجه حرارت، PH و درجه شوری که سرخ‌های زیادی برای بازسازی تاریخ گذشته زمین می‌دهد. برداشت نمونه‌ها از محل بدون توجه به این مطالعات، اطلاعات و شواهد زیادی را نابود می‌کند. نحوه برداشت نمونه‌ها هم که داستان دیگری است و حتی در یک فیلم دیدم که ایشان با یک تیشه و گونی (آنچه در فیلم به نمایش درآمد) به سران فسیل‌ها می‌رود آنها را پس از جدا کردن از محل قرارگیری‌شان به صورت ابتدایی و بدون رعایت مسایل اصولی نمونه‌برداری داخل

گونی روی هم می‌ریزد و به همین صورت نگه می‌دارد. این‌گونه فعالیت با هیچ معیار علمی منطقی نیست و متأسفانه ارزش علمی نمونه‌ها را زیر سوال برده است.

ناظم زاده در ادامه می‌گوید: بحث این نیست که اینها فسیل نیستند اما بخشی از اینها که ادعا می‌شود قسمت‌هایی از بدن موجودات پرسالویی نظیر دایناسور است تنها

شباهت‌های ظاهری است که در پوسته زمین و در نقاط مختلف به فراوانی مشاهده می‌شود و تفکیک اینها از نمونه واقعی مشکل است. اصول علمی می‌گوید قسمت‌های نرم بدن تبدیل به فسیل نمی‌شود اما همیشه استثنا هم وجود دارد و استثنا هم زیاد نیست. در مورد فسیل شدن بخش‌های نرم تعداد انگشت‌شمار در جهان گزارش شده است آن هم از نسوج غیرفسیل‌شناسایی برای افراد غیرمتخصص در زیست‌شناسی و تنها یک یا دو مورد از فسیل شدن اندام خارجی گزارش شده است. همین‌ها باور کردن مطالب ایشان را مشکل می‌کند. بارها گفت‌ایم نمونه‌های ایشان بسیار زیبا و قابل توجه هستند و حاکی از ذوق و هشتکار مثال‌زدنی ایشان می‌توان در یک «هایسگاه» دایمی تحت عنوان جاذبه‌های طبیعی استان کرمان این یافته‌ها را به نمایش گذاشت اما اطلاق «موزه» که بار علمی دارد به آن درست نیست.

وی در ادامه می‌گوید: حتی با کارشناسان برزیلی به

دیدن نمونه‌های ایشان رفتیم. می‌دانید که کارشناسان برزیلی و انگلیسی که در مطالعه دایناسورهای آمریکای لاتین صاحب‌نظر هستند هشت سال پیش برای اکتشاف بقایای فسیل‌های دایناسور به کرمان سفر کردند و نمونه‌های مورد نظر آقای تجربه‌کار به عنوان اندام‌های خزندگان عظیم‌الجثه تایید نشد و اعلام شد که ساخت‌های خاص رسوبی بر اثر فرسایش هستند و در آن بازدید تنها فسیل بدون بخشی از نمونه‌ها تایید شد.

او ادامه می‌دهد: قطعا حدود ۷۰درصد نمونه‌ها فسیل هستند و شکی در آن نیست. اما بحث ما روی اینها نیست که فسیل نبوده و به شکل موجودات زنده هستند که نمی‌توان به سادگی ادعاها در مورد آنها را ثابت کرد و من هم در این مورد صلاحیت ندارم. ضمن اینکه در برداشتن آنها اصول علمی و فنی رعایت نشده است که توضیح دادم و جایی هم که برداشت شده‌اند مشخص نیست. آیا الان جای برداشت ۲۰۰هزار نمونه در خاطر ایشان هست؟ نمونه‌ها از جای اصلی خارج شده‌اند و اثبات مدعاه‌ها سخت‌تر شده است.

وی می‌افزاید: در مورد این مواردی که ادعا شده برخی از نمونه‌ها فسیل تخم خزندگان هستند باید متخصصان اظهارنظر کنند و من در این مورد نه چیزی را رد می‌کنم و نه تایید. این یک مورد کاملاً تخصصی است و به این سادگی نه آقای تجربه‌کار و نه من نمی‌توانیم با صراحت اظهار نظر کنیم. او تاکید می‌کند: در آزمایشگاه‌های معمولی و پزشکی در سطحی که در کرمان است، امکان تایید ادعاها در مورد فسیل‌ها و سایر نمونه‌ها وجود ندارد. این‌گونه مسایل در آزمایشگاه‌های پیشرفته با هزینه‌های هنگفت بررسی می‌شود و تحت نظر دانشمندان علم زیست‌شناسی است.

وی اظهار می‌دارد: تا آنجا که اطلاع دارم آزمایش DNA روی نمونه‌هایی قابل انجام است که اندکی بافت طبیعی در آنها باقی مانده باشد. نمونه‌هایی که تماما تبدیل به فسیل شده و به دیگر سخن بافت‌ها و نسوج آلی آن تبدیل به بافت معدنی شده، قابل مطالعه زیستی از جمله ژنتیک نیست. حالا فرض کنیم که تحت شرایط ویژه و استثنایی بخشی از بافت ای جاندار باقی مانده باشد و روش‌های کنونی آن گونه که عنوان شده قادر به مطالعه نمونه‌های با عمر بیش از ۲۰هزار سال نیست. نمونه‌های مورد ادعای آقای تجربه‌کار قرار است متعلق به زمان‌هایی از چند ده میلیون سال تا چند صد میلیون سال گذشته باشد. خزندگان غول‌پیکر ۶۵ میلیون سال پیش منقرض شده‌اند بنابراین آزمایش‌های ژنتیک اساسا مورد پیدا نمی‌کند.

ناظم زاده در پایان می‌گوید: متأسفانه تیم‌های علمی رسمی برای اکتشافات به میزان پتانسیل موجود در کشور و استان کرمان وجود ندارد و باید در این زمینه سرمایه‌گذاری بیشتری صورت گیرد تا از تشتت‌های اینجینی جلوگیری شود.

## کشمکش‌ها بر سر سه‌هزار فسیل کشف شده توسط زمین‌شناس تجربی در کرمان

# فسیل‌ها با تیشه و گونی گردآوری شده‌اند

**وحید قرایی/ کرمان**



دیدن نمونه‌های ایشان رفتیم. می‌دانید که کارشناسان برزیلی و انگلیسی که در مطالعه دایناسورهای آمریکای لاتین صاحب‌نظر هستند هشت سال پیش برای اکتشاف بقایای فسیل‌های دایناسور به کرمان سفر کردند و نمونه‌های مورد نظر آقای تجربه‌کار به عنوان اندام‌های خزندگان عظیم‌الجثه تایید نشد و اعلام شد که ساخت‌های خاص رسوبی بر اثر فرسایش هستند و در آن بازدید تنها فسیل بدون بخشی از نمونه‌ها تایید شد.

او ادامه می‌دهد: قطعا حدود ۷۰درصد نمونه‌ها فسیل هستند و شکی در آن نیست. اما بحث ما روی اینها نیست که فسیل نبوده و به شکل موجودات زنده هستند که نمی‌توان به سادگی ادعاها در مورد آنها را ثابت کرد و من هم در این مورد صلاحیت ندارم. ضمن اینکه در برداشتن آنها اصول علمی و فنی رعایت نشده است که توضیح دادم و جایی هم که برداشت شده‌اند مشخص نیست. آیا الان جای برداشت ۲۰۰هزار نمونه در خاطر ایشان هست؟ نمونه‌ها از جای اصلی خارج شده‌اند و اثبات مدعاه‌ها سخت‌تر شده است.

وی می‌افزاید: در مورد این مواردی که ادعا شده برخی از نمونه‌ها فسیل تخم خزندگان هستند باید متخصصان اظهارنظر کنند و من در این مورد نه چیزی را رد می‌کنم و نه تایید. این یک مورد کاملاً تخصصی است و به این سادگی نه آقای تجربه‌کار و نه من نمی‌توانیم با صراحت اظهار نظر کنیم. او تاکید می‌کند: در آزمایشگاه‌های معمولی و پزشکی در سطحی که در کرمان است، امکان تایید ادعاها در مورد فسیل‌ها و سایر نمونه‌ها وجود ندارد. این‌گونه مسایل در آزمایشگاه‌های پیشرفته با هزینه‌های هنگفت بررسی می‌شود و تحت نظر دانشمندان علم زیست‌شناسی است.

وی اظهار می‌دارد: تا آنجا که اطلاع دارم آزمایش DNA روی نمونه‌هایی قابل انجام است که اندکی بافت طبیعی در آنها باقی مانده باشد. نمونه‌هایی که تماما تبدیل به فسیل شده و به دیگر سخن بافت‌ها و نسوج آلی آن تبدیل به بافت معدنی شده، قابل مطالعه زیستی از جمله ژنتیک نیست. حالا فرض کنیم که تحت شرایط ویژه و استثنایی بخشی از بافت ای جاندار باقی مانده باشد و روش‌های کنونی آن گونه که عنوان شده قادر به مطالعه نمونه‌های با عمر بیش از ۲۰هزار سال نیست. نمونه‌های مورد ادعای آقای تجربه‌کار قرار است متعلق به زمان‌هایی از چند ده میلیون سال تا چند صد میلیون سال گذشته باشد. خزندگان غول‌پیکر ۶۵ میلیون سال پیش منقرض شده‌اند بنابراین آزمایش‌های ژنتیک اساسا مورد پیدا نمی‌کند.

ناظم زاده در پایان می‌گوید: متأسفانه تیم‌های علمی رسمی برای اکتشافات به میزان پتانسیل موجود در کشور و استان کرمان وجود ندارد و باید در این زمینه سرمایه‌گذاری بیشتری صورت گیرد تا از تشتت‌های اینجینی جلوگیری شود.

## نابودی صدها اصله درخت یک تپه باستانی در همدان

**حسین زندی/ همدان**

فعلی (مظفرالدین شاه) یا برای روح شاه شهید دعا کنند به تپه می‌روند. در دوره پهلوی اول اطراف تپه صصلی به محل سکونت حاشیه‌نشینان شهر تبدیل می‌شود و از مصالح قلعه برای ساختن خانه‌ها استفاده می‌کنند. این رویه تا دهه ۵۰ خورشیدی ادامه دارد. در آن روزگار طرحی ارایه می‌شود که به مرور ساکنان این محل را در شهر کها و مجتمع‌هایی که پیشتر آماده شده اسکان دهند. بیش از ۶۰درصد تپه نبال کاری می‌شود و تا آغاز انقلاب تعدادی از خانه‌ها را تملیک کرده و ساکنان در محله «۶۰درستگاه» اسکان داده می‌شوند اما پس از انقلاب با شروع جنگ این طرح سکونت می‌ماند. در سال‌های اخیر این تپه توسط اداره ارشاد و معاونت عمرانی استانداری تخریب شده، قلعه اشکائی نابود شده، درختان از بین رفته و حتی محل استقرار صدهوایی روی تپه را که در دوره جنگ عمل فرار (هراس) دشمن بود، نابود کرده‌اند. این در حالی است که نهادهای دولتی با بودجه میلیاردي که برای نابودی و خاک‌برداری تپه هزینه و مصرف شده، می‌خواستند خانه‌های اطراف تپه را که ارزان‌ترین منطقه شهر است، خریداری و تملیک کرده و پروژه‌های خود را در آنجا پیگیری کنند و ریه‌های تنفسی شهر را نابودکنند.

بوده است اما ابعاد این تپه یا قلعه از دور معلوم نبود تا اینکه به آنجا نزدیک شدم

و از مشاهده طرح آن به این نکته پی بردم که احتمالا این تپه همان باشد که هردوت در ضمن توصیف شهر بارودار اکباتان (هگمتانه) پایتخت ماد قدیم به آن اشاره می‌کند.» و باز می‌نویسد: «... و مصلی یا دژ تپه متصل به سمت شرقی شهر است و قسمتی از آن را تشکیل می‌دهد.» وی ادامه می‌دهد: «... امروز بقایایی از دیوارهای کهن بر فراز مصلی دیده می‌شود که ضخامت بعضی از آنها به حدود پنج متر و بلندی آنها به حدود شش متر می‌رسد و مصالحی که در آن به کار رفته عبارت است از خاک رس و سنگ لوح و آجر و قلوه‌سنگ‌ها. در واقع چنان که می‌گویند آنجا محمدخان در پایان قرن هجدهم میلادی مطابق با قرن دوازدهم هجری بقایای تمام آثار باستانی همدان را ویران کرده است.» آغامحمدخان با تصور اینکه اسلحه، مهمات و انبار غلات شهر در این ارگ است این قلعه را ویران می‌کند اما چیزی نمی‌یابد. پس از آن در اواخر دوره قاجار در زمان ظهیرالدوله حاکم همدان، این تپه به عنوان مصلی و محل عبادت مردم شهر به ویژه برای باران‌خواهی و نماز عید استفاده می‌شود.

ظهیرالدوله اشاره می‌کند که معمولاً مردم شهر هر گاه بخواهند به جان شاه

پارک جنگلی مصلی با مساحت ۲۴۴۰هزارمتر، یکی از شریان‌های تنفسی

شهر همدان در حالی نابود شد که بار شد جمعیت، توسعه شهر و آلودگی هوا نیاز به کاشت درختان بیشتری احساس می‌شود.

این اتفاق در سکوت خبری و بدون نظرخواهی از مردم رخ داد. مهرنوش نجفی‌راغب از اعضای شورای شهر و عضو کمیسیون ماده ۷ فضای سبز، پیشتر اعلام کرده بود مجوزی از سسوی این نهاد برای ساخت و سازها در این تپه

باستانی صادر نشده است.

پارک جنگلی مصلی در مرکز شهر همدان، در اواسط دهه ۵۰ روی تپه مصلی، در کنار بقایای قلعه اشکائی «رگ تپه» ایجاد شده است. این تپه از جنبه‌های گوناگون حایز اهمیت است. در متون تاریخی و سفرنامه‌ها از آن با نام‌های «تپه ارگ»، «دژ تپه» و «تپه دژ» یاد شده است و برخی باستان‌شناسان محل اصلی هگمتانه را روی این تپه دانسته‌اند. اما تپه مصلی به دلیل یافته‌های دوران اشکانی (پارتی) و مادی ارتباط و پیوستگی تنگاتنگی با تپه هگمتانه دارد. ویلیام چکسنس می‌نویسد: «همدان در کنار یکی از ارتفاعات قرار گرفته است... درست متصل به شهر، معروف به مصلی، قرار دارد که در قدیم ارگ دژ

## خندق‌های سنگی جاذبه‌های فراموش‌شده ابرکوه

■ مهر: خندق‌های سنگی از جاذبه‌های طبیعی ابرکوه است که فراموشی، سبب ناشناخته ماندن آنها شده و به جز اهالی ابرکوه، کسی از وجود آنها مطلع نیست، حتی این گزارش نخستین مطلبی است که از این خندق‌ها منتشر می‌شود. ابرکوه شهری سنگی و صخره‌ای است و همان‌طور که از نام آن پیداست، شهری است که بر بالای کوهی ساخته شده است. ویژگی‌های خاص این شهرستان سبب شده جاذبه‌های طبیعی بسیاری در آن چشم‌نوازی کند؛ جاذبه‌هایی که شاید هرگز حتی رسانه‌ها نیز به آنها نپرداخته باشند. خندق‌های سنگی از آن دسته از جاذبه‌هایی است که تاکنون هیچ معرفی‌ای از آنها در هیچ رسانه و سایتی صورت نگرفته است و حتی با جست‌وجو در موتورهای جست‌وجوگر شاید یک مطلب کوتاه از این خندق‌ها قابل رویت باشد. بررسی و مستندسازی آثار تاریخی شهرستان ابرکوه از جمله مواردی است که لازم است نهادهای ذی‌ربط و پژوهشگران به آن پرداخته و نسبت به معرفی آنها به جوامع علمی کشور کوشا باشند. نگرش غیر کارشناسانه در زمینه موارث فرهنگی و عدم برخورداری دیدگاه جامع و فراگیر در این زمینه، نه تنها باعث رونق این بخش از توانمندی‌های ابرکوه نشده، بلکه نتوانسته است ضرورت حمایت و حفظ این آثار را در ذهن عمومی توجیه کند. درحالی‌که بسیاری از موارث فرهنگی این شهرستان از سیاهه برنامه‌ریزی‌های مسؤولان جاافتاده است، کالبد معماری شهر نیز به‌طور جامع و کامل مورد توجه قرار نگرفته و بسیاری از آثار آن مغفول مانده است.

**ابرکوه و ظرفیت‌های بالای تاریخی**
کارشناس ارشد معماری در این زمینه در گفت‌وگو با مهر اظهار داشت: شهر تاریخی ابرکوه، با وجود مداخلات غیر کارشناسانه دارای ظرفیت‌های ارزشمندی است که ارزش تحقیق و تفحص بالایی دارد. حسین حاتمى افزود: ساخت‌وسازهای نامهارنگ و نامتجانس کلیت بافت زیبا و ارزشمند شهر را از حدودی تحت‌تاثیر قرار داده است هر چند تاند‌های درشت این بافت مورد مرمت و بازسازی قرار گرفته‌اند.
**مردم ابرکوه روی سنگ‌ها سکنى می‌گزیده‌اند**
وی در مورد دلایل سکنتی‌گزینی مردم روی لایه‌های سنگی اظهار داشت: بارش‌های فصلی و روان شدن سیلاب‌ها باعث شده است ساکنان اولیه شهر نقاط مرتفع‌تر را برای ساخت‌وساز انتخاب کنند و به دلیل وجود رگه‌های سنگی از نوع ماسه سنگ در این منطقه که ارتفاعی مناسب برای مقابله با سیلاب‌ها دارد، شهرسازی منحصربه‌فردی روی آنها شکل گرفته است. حاتمى بیان داشت: گذشته از این به دلیل مسایل امنیتی شاهد اقدامات جالب و قابل ملاحظه‌ای در این راستا از جانب این مردم بوده‌ایم.

**خندق‌های اعجاب‌انگیز ابرکوه**
حاتمی ادامه داد: تلاشی که در این زمینه به کار رفته است اعجاب‌انگیز است به طوری که با حفر خندق‌های سنگی در اطراف قلعه‌های مسکونی، چهره‌ای از همت و سخت‌کوشی پدیدآورندگان به نمایش درآمده است و گاه با حفر خندق، با عرضی بیش از شش متر و عمق چهار متر در لایه سنگی، تعجب همگان برانگیخته می‌شود. وی افزود: این خندق‌ها با عرض متوسط شش متر و عمق متوسط هشت متر، در مقاطعی دارای پله‌ای ارتباطی از جنس سنگ بستر بوده که ارتباط با اطراف را امکان‌پذیر می‌کرده‌اند. حاتمى ادامه داد: وجود باغات و مزارع کشاورزی در اطراف این خندق‌ها چشم‌انداز زیبایی به آن بخشیده است. وی یادآور شد: از طرفی احداث بناهای گلی روی بستری سنگی به نوعی یادآور استمداد بشر، به واسطه ضعف ذاتی خود از تکیه‌گاهی محکم و استوار است که سستی مصالح در دسترس را نیز با این تکیه‌گاه جبران کرده است. حاتمى اظهار داشت: شکل ویژه زمین در این نواحی که تقریباً منحصربه‌فرد است از عواملی بوده که به شکل‌گیری این نوع شهرسازی منجر شده است. آنچه که مسلم است وجود آثار معماری ارزشمند و متعدد در این شهر حکایت از وجود رگه‌های شهرسازی و معماری قوی در این خطه دارد به طوری که تنوع گونه‌های آثار در آن قابل ملاحظه است.

**احتمال وجود معماری بوکنی در قلعه سرورخان**
بنا بر پژوهش‌های اولیه صورت‌گرفته توسط پایگاه میراث فرهنگی ابرکوه، احتمال وجود معماری بوکنی با توجه به نشانه‌های موجود در داخل محوطه قلعه که در اقوال عمومی به قلعه سرورخان مشهور است، نیز وجود دارد. در مورد قدمت این خندق‌ها تاکنون کار پژوهشی جامعی صورت نگرفته است ولی تعلق آن به دوره‌های پیش از اسلام بعید به نظر نمی‌رسد.
**عظمت یادگار گذشتگان**
وقتی در کف این خندق‌ها قدم برمی‌داری استواری بدنه‌های آن و عظمت این یادگار تاریخ، انسان را به یاد اراده‌های پولادینی می‌اندازد که بر این سنگ‌های سخت غلبه کرده‌اند تا بهای آرامش و امنیت را بپردازند. اما آیا اکنون به این آثار افتخار آفرین آن‌گونه که باید نگریسته می‌شود؟ برای پاسخ به این سوال کافی است نگاهی گذرا به این خندق‌ها بیندازیم. لوله‌های فاضلابی که از منازل اطراف به پایین خندق‌ها روانه شده‌اند، ساخت‌وسازهای انجام‌شده و انبوه زباله‌ها در قسمت‌هایی که از رفت‌وآمد دور افتادند، نشان از عمق بی‌توجهی به این یادگار گذشتگان دارد.